

# نگاهی به نقش عوامل طبیعی (اقلیم، کوه، دشت و دریا) در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم در برخی مناطق ایران

دکتر پرویز کردوانی\*

## چکیده

در سطح کره زمین، در عرض جغرافیایی ۴۵-۱۵ درجه نیمکره شمالی، هوای پرفشار - جنب حاره‌ای - مانع از تشکیل ابر و بارندگی شده و موجب خشک و بیابانی شدن آب و هوا می‌شود. کشور ایران در عرض ۴۵-۱۵ درجه شمالی یعنی درست در مرکز این هوای پرفشار یا نوار بیابانی قرار دارد. لذا، می‌بایست سراسر آن دارای آب و هوای خشک و بیابانی و کم‌بارندگی و کم‌آب می‌شد. اما در طول دوره تکامل کره زمین، دو پدیده طبیعی موجب شده که ایران دارای انواع مختلف آب و هواها با مناطق مختلف جغرافیایی و محیط‌های مختلف زیستی شده است. این دو پدیده عبارتند از: الف - خشک شدن دریاها و تنها باقی ماندن دو دریا در شمال و جنوب کشور. ب - چین خوردن و کوهستانی شدن ایران و به وجود آمدن رشته کوه‌هایی با ارتفاعها و جهت‌های بسیار مناسب و مساعد، مانند سلسله کوه‌های البرز و زاگرس و کوه‌های مرکزی و غیره. کوهها اثر پرفشار را از بین برده و امکان خنک شدن هوا و بارندگی به خصوص برف را فراهم آورده که به این طریق منابع آب مناطق کوهستانی با جاری شدن آب‌های سطحی و نیز زیرزمینی منابع آب دشتهای پائین دست فراهم شده است. همچنین

کوههای البرز توأم با دریای شمال (خزر) منطقه معتدل مرطوب و پربارانی با شرایط بسیار مساعد برای زندگی به ویژه اشتغال در زمینه کشاورزی و تولید محصول معتدل مرطوب و همچنین فعالیت در زمینه شیلات و جنگل را فراهم ساخته‌اند.

دریای جنوب (خلیج فارس و بحر عمان) توأم با ارتفاعات شمالی خود در این عرض جغرافیایی یک آب و هوای گرم مرطوب، بسیار مساعد برای کشاورزی به ویژه در منطقه چابهار به وجود آورده که انواع محصولات گرمسیری در آن منطقه حاصل می‌شود.

کوههای زاگرس در غرب کشور با استفاده از رطوبت هوای وارد شده از غرب سبب به وجود آمدن سرابها (چشمه سارها) و نیز جاری شدن رودهای متعدد دره‌های سرسبز و پوشیده از مراتع غنی و جنگلهای بلوط شده و توسعه صنایع در دهه‌های اخیر در این مناطق تحولی در زندگی مردم به وجود آورده است.

هوای پرفشار جنب حاره‌ای و بادهای گرم و خشک (آبیزه) در قسمت مرکزی و جنوبی کشور سبب به وجود آمدن دشتهای خشک داخلی و عرصه‌های کویری و بیابانی با بارندگی اندک و منابع آب غالباً شور شده‌اند، در نتیجه، شرایط زندگی در این مناطق، سخت و دشوار شده است.

در گذشته که زندگی مردم بیشتر براساس کشاورزی و دامداری بود، کویر (نمکزار) در هر منطقه که وجود داشت، سرزمینی شوم، نفرین شده و از عوامل نامساعد زندگی و مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی آن منطقه به شمار می‌رفت. اما بر اثر توسعه علم و فناوری امروزه کویرهای گیاهدار به مثابه منابع طبیعی تکثیر شونده و کویرهای فاقد گیاه به منزله منابع طبیعی تجدیدشونده (تمام‌نشدنی در صورت بهره‌برداری صحیح) به شمار می‌آیند به گونه‌ای که بهره‌برداری صحیح از آنها به ویژه انواع مختلف املاح در کویرهای مختلف، نقش مهمی در بهبود وضعیت زندگی و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم این منطقه و حتی کشور خواهد داشت. بر این اساس امروزه کویرها (نمکزارها) و همچنین رودهای شور، از نعمتهای بزرگ خدادادی و منابع عظیم و تمام‌نشدنی ثروت و اشتغالزایی به شمار می‌آیند. ضمن آنکه با داشتن مناظر زیبا از منابع مهم جاذبه‌های توریستی و اقتصادی محسوب می‌شود.

## واژگان کلیدی

هوای پرفشار جنب حاره‌ای، چین خوردن و کوهستانی شدن، نوار خشک و بیابانی، فرهنگ توریستی، کویر و بیابان.

### مقدمه

مطالب این مقاله با استفاده از منابع و نوشته‌های دیگران تهیه نشده، بلکه حاصل سفرهای علمی و پژوهشی متعدد به مناطق مختلف ایران و مشاهدات نزدیک در طی زندگی و بیش از چهل سال خدمت در دانشگاهها است. هنگام مقایسه کشور عزیزمان ایران با دیگر کشورهای جهان، به خوبی درمی‌یابیم که ایران با این وسعت و مساحت، از لحاظ اقلیمی کشوری استثنایی در جهان است و از لحاظ داشتن مناطق و شرایط مختلف طبیعی و تنوع زیستی و در پی آن، از لحاظ تنوع اقوام، نوع معیشت و فرهنگ مردم در مناطق مختلف جغرافیایی نیز کشور بسیار جالبی است.

همان‌طور که از عنوان مقاله برمی‌آید، در این مقاله نگاهی کلی به شرایط طبیعی و آثار آب و هوا، کوه و دریا و غیره بر زندگی و اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم در مناطق مختلف ایران خواهیم داشت تا علاقه‌مندان دیدی کلی از کشور عزیزمان، توانمندیها و استعدادهای طبیعی آن و نیز شرایط زندگی مردم در برخی مناطق جغرافیایی آن داشته باشند. در این مقاله، برای جلوگیری از اطاله کلام، به ذکر جزئیات و توصیف بیشتر پرداخته نشده، هرچند مطالب گفتنی و نوشتنی بسیار است. در واقع، این مقاله می‌تواند مقدمه‌ای برای آشنایی با شرایط طبیعی چند منطقه از ایران برای دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان به تحقیق درباره شرایط زندگی مردم ایران با توجه به شرایط طبیعی مناطق مختلف آن، باشد.

**اقلیم استثنایی ایران و نقش آن در تنوع زیستی و زیستگاهها و شرایط زندگی مردم ایران با وسعت کنونی، در عرض جغرافیایی ۲۵ تا ۴۰ درجه شمالی واقع شده است. از عرض جغرافیایی ۳۰ درجه، هوای پرفشاری پدید می‌آید که به دلیل مجاورت با استوا (منطقه**

حاره‌ای جهان) به پرفشار جنب یا مجاور حاره‌ای معروف است. این هوای پرفشار با دو اثر خود (پراکنده کردن رطوبت و ممکن نبودن صعود هوا) به هر منطقه‌ای که بوزد، مانع بارندگی می‌شود. در واقع عامل اصلی پدیدآورنده بیشتر مناطق خشک و بیابانی در سطح کره زمین، همین پرفشار جنب حاره‌ای است. این هوای پرفشار که از عرض ۳۰ درجه در نیمکره شمالی و جنوبی کره زمین به وجود می‌آید، در نیمکره شمالی مناطقی را از عرض جغرافیایی ۱۵ تا ۴۵ درجه تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، تمام کشورها و مناطقی که در این عرض جغرافیایی واقع شده‌اند، می‌بایست کم‌باران و دارای آب و هوای خشک و بیابانی می‌شدند، زیرا تحت تأثیر این هوای پرفشار، و به اصطلاح در نوار خشک و بیابانی قرار دارند. کشور ما در عرض ۲۵ تا ۴۵ درجه شمالی، درست در هسته و مرکز این نوار بیابانی (تحت تأثیر شدید هوای پرفشار مجاور حاره‌ای) واقع شده است؛ پس می‌بایست سراسر آن از لحاظ بارندگی بسیار فقیر و کشور یا منطقه‌ای خشک و بیابانی می‌شد، اما در طول تکامل کره زمین دو پدیده طبیعی اتفاق افتاد که بر اثر آنها، در بسیاری از مناطق کشور، اثر نامطلوب پرفشار مجاور حاره‌ای از بین رفت و ایران در جهان، به‌ویژه از لحاظ اقلیمی، حتی کشوری استثنایی شد. این دو پدیده عبارت‌اند از: الف - خشک شدن دریاها و ولی باقی ماندن دو دریای بسیار باارزش در شمال و جنوب کشور (دریای مازندران، خلیج فارس و بحر عمان)؛ ب - چین خوردن و کوهستانی شدن کشور، به‌ویژه به وجود آمدن رشته کوههایی با ارتفاع و جهت‌های بسیار مساعد مانند رشته کوه‌های البرز و زاگرس. کوهها با ارتفاعشان سبب از بین رفتن اثر نامطلوب هوای پرفشار جنب حاره‌ای در محدوده خود شده‌اند (هر ۱۰۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا باعث حدود ۷ درجه سانتی‌گراد خنک‌تر شدن هوا و نیز امکان صعود هوا و در نتیجه بارندگی می‌شود).

کوههای البرز توأم با دریای شمالی (مازندران)، در این عرض جغرافیایی که می‌بایست کاملاً خشک و بیابانی می‌شد، آب و هوای مرطوب پربارانی را در تمام ماههای سال پدید آورده‌اند؛ اقلیمی که در این عرض جغرافیایی، منحصر به فرد و بی‌نظیر است، زیرا بسیاری از محصولات کشاورزی که در این منطقه عمل می‌آیند مانند چای، برنج، مرکبات و پنبه (در شرق مازندران) و خربزه (در غرب گیلان) و... در دیگر مناطق مرطوب دنیا مانند اروپای مرکزی عمل نمی‌آیند و وجود ندارند.

رشته کوه زاگرس با جهت و ارتفاع بسیار مناسبش موجب تبدیل رطوبت هوای وارد شده از غرب به برف و باران شده است که ضمن به وجود آوردن چشمه سارهای پرآب و رودهای متعدد که ده رود به عراق می‌ریزد و پنج رود بزرگ به خوزستان (مانند کرخه، کارون، دز، جراحی و زهره)، جنگلها، مراتع غنی و دیمزارهای وسیع، محل زندگی اقوام مختلف (ترک و کرد و غیره) و بیلاق عشایر کوچنده بسیار (مانند بختیاری و قشقایی و غیره) به شمار می‌رود.

دریای جنوب توأم با ارتفاعات شمالی خود (به‌ویژه در منطقه چابهار) نیز تحت تأثیر بادهای مرطوب موسمی هندوستان، موجب به وجود آمدن آب و هوای گرم مرطوب کم بارانی در جنوب کشور شده‌اند.

دشتهای پست داخلی توأم با کوههای محصورکننده آنها، تحت تأثیر هوای پرفشار مجاور حاره‌ای، موجب پدید آمدن آب و هوای خشک و بیابانی با بارندگی کم و ناچیز شده‌اند.

بنابراین، کوهها، دریاها و دشتهای پست داخلی باعث شده‌اند که ایران در این عرض جغرافیایی، دارای انواع مختلف آب و هوای موجود در دنیا باشد؛ از آب و هوای سرد قطبی (در قله‌های مرتفع کوههای دماوند و غیره) تا معتدل و مرطوب و خشک. از این‌رو، کشور ما از لحاظ آب و هوا کشوری استثنایی در جهان است و بر این اساس، کاشت انواع محصولات کشاورزی موجود در دنیا، در ایران ثمربخش بوده است، حتی آناناس (در ایرانشهر بلوچستان)، و خوشبختانه تنها یک نوع آب و هوا، آن هم آب و هوای گرم مرطوب و بسیار نامساعد استوایی، در کشور ما وجود ندارد. انواع آب و هواها و مناطق کوهستانی، دشتی و دریایی سبب تنوع محیط زیست برای انسانها، حیوانات و گیاهان در کشور شده‌اند و روی همین اصل، ایران دارای مناطق مختلف زیستی با شرایط زندگی متفاوت برای مردم و تنوع زیاد زیستی برای انسانها، گیاهان و حیوانات شده است.

### کوهها و نقش آنها در فراهم شدن امکانات زندگی و شرایط مساعد زیستی در مناطق مختلف کشور

در آغاز این مبحث باید گفت که تمام عوامل طبیعی مساعد برای زندگی، از برکت کوههایی است که در ایران وجود دارند. از این‌رو، کوهها در عرضهای جغرافیایی تحت تأثیر هوای پرفشار،

به‌ویژه کشور ما، از نعمتهای بزرگ و از عوامل بسیار مهم در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌روند؛ هرچند که با داشتن شیب زیاد، عامل طبیعی نامساعد برای کشاورزی و کشت و زرع به حساب می‌آیند. خلاصه اگر این کوهها، به‌خصوص رشته کوهها (مانند البرز و زاگرس و غیره)، در کشور ما نبود، سراسر کشور ما هم، مانند بسیاری از کشورها، از جمله: امارات متحده عربی، کویت و بخش اعظم عربستان و صحرای افریقا و غیره که همچون کشور ما در آن عرضهای جغرافیایی و تحت تأثیر نامطلوب هوای پرفشار جنب حاره‌ای (کمربند یا نوار بیابانی و خشک) واقع هستند، خشک و بیابانی، کم‌باران، کم آب و گیاه و بسیار نامساعد برای زندگی می‌شد.

کوهها با ایجاد برف و باران و هوای خنک در عرض جغرافیایی کشور ما، امکانات گوناگون و بسیار باارزشی برای ما به ارمغان آورده‌اند که کشورهای مذکور در بالا فاقد آن هستند. برخی از این امکانات عبارت‌اند از:

الف - رشته کوهها با ارتفاع و جهت مناسبشان (با ایجاد برف و باران) هم آب مناطق کوهستانی را تأمین می‌کنند و هم با ایجاد رودها و نیز جریانهای زیرزمینی، آبهای سطحی و زیرزمینی دشتهای خشک و بی‌آب و با بارندگی ناچیز پایین دست و حتی مناطق دوردست را ایجاد می‌کنند. به این طریق، ضمن فراهم شدن امکان زندگی در کوهستان و دشت، فرهنگ استفاده از آبهای جاری سطحی (زندگی در کنار رودخانه‌ها) و فرهنگ استفاده از آبهای زیرزمینی (با حفر چاههای دستی، قناتها، چاههای عمیق و نیمه‌عمیق موتوری و برقی، چاههای بادی و غیره) را موجب می‌شوند. از این‌رو، کوهها در به‌وجود آمدن تمدن کشاورزی، نقش اصلی و مهمی داشته‌اند (در ارتفاعات مناطق کوهستانی از طریق زراعت دیم، و در کف دره‌ها، کنار و پایین‌دست رودها و نیز پایین‌دست چشمه‌سارها و قناتها با زراعتهای آبی). همین‌طور زندگی و فرهنگ دامداری، به‌ویژه زندگی عشایری و کوچ‌نشینی را امکان‌پذیر ساخته‌اند (با به‌وجود آوردن مراتع بهاره و تابستانی، هوای خنک، چشمه‌سارها و دره‌های آبدار). کوهها امکان ایجاد باغهای میوه در دره‌های آبدار، به‌ویژه در جهت‌های رو به آفتاب، و زندگی براساس باغداری و تولید انواع میوه و خشکبار و همچنین زراعت در نواحی کوهستانی و دشتی را فراهم آورده‌اند؛ همین‌طور جنگل و جنگل‌نشینی و فرهنگ استفاده از چوب و زغال را.

ب - کوهها علاوه بر تأمین آب و فراهم کردن امکانات کشاورزی، دامداری و غیره که شرح آنها گذشت و همچنین سرسبز بودن و داشتن دره‌های زیبا که می‌توانند برای جلب گردشگر و نیز هواخوری مردم ساکن، به‌ویژه در حوالی آن، بسیار مفید واقع شوند، انواع معادن فلزی و غیرفلزی، از آهن و سرب و مس گرفته تا گچ و آهک و نمک و غیره را در خود جا داده و ذخیره کرده که با بهره‌برداری از آنها، امکان زندگی صنعتی و به‌وجود آمدن تمدن صنعتی را در کشور فراهم ساخته‌اند.

پ - کوهها در بسیاری از مناطق کشور انواع پوشش جنگلی با چوبهای باارزش و متنوع را در سطح خود پدید آورده‌اند که هم در حفظ خاک و هم در تولید و حفظ آب و هم در اقتصاد مملکت بسیار مؤثر هستند؛ ضمن آنکه از جاذبه‌های بسیار باارزش گردشگری نیز به‌شمار می‌روند (در گذشته زندگی بسیاری از مردم از جنگل تأمین می‌شد).

ت - آبشارها که هم از جاذبه‌های بسیار باارزش گردشگری به‌شمار می‌روند و هم منابع آب و به‌خصوص منبع انرژی برق آبی هستند، از برکت کوهستانها به‌وجود آمده‌اند.

ث - غارهای متعدد و متنوع که در رواج فرهنگ گردشگری بسیار مؤثر هستند نیز از برکت کوهها ایجاد شده‌اند.

به علاوه کوهها امکانات دیگری عرضه کرده‌اند که ذکر یکایک آنها موجب اطاله کلام و مقاله خواهد شد.

## دریاها و نقش آن در مساعد شدن شرایط زندگی و اوضاع اقتصادی و

### اجتماعی مردم

از دیگر عوامل طبیعی مؤثر در فراهم شدن شرایط زندگی و بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم، دریاها هستند.

الف - دریای شمال: این دریا توأم با کوه البرز (در این عرض جغرافیایی که منطقه می‌بایست

کاملاً خشک و کم‌باران = بیابان می‌شد) باعث آن همه بارندگی (بیش از ۲۰۰۰ میلی‌متر در سال)

و ایجاد آب و هوای مرطوب در کشور ما می‌شود که امکانات کشاورزی، ایجاد جنگل و غیره از برکات آن است.

دریای شمال عامل تعدیل‌کننده هواست؛ به گونه‌ای که اگر دریای مازندران نبود، سرمای زیاد هوای پرفشار سیبری شرایط زندگی را بر مردم گیلان و مازندران بسیار سخت می‌کرد و امکانات و مساعدتهای اقلیمی فعلی وجود نداشت یا بسیار محدود می‌شد.

این عامل مهم منابع اقتصادی و اشتغال مردم ساکن در شمال کشور به‌شمار می‌رود، ضمن آنکه تأثیر بسزایی هم در اقتصاد کشور و تغذیه ملت دارد. زندگی بسیاری از مردم گیلان، مازندران و گلستان از دریا می‌گذرد.

دریای شمال به‌مثابه راه آبی ارزان و استراتژیک نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.

از آب دریای شمال می‌توان برای آبیاری و ایجاد مزارع و توسعه کشاورزی و بهبود وضعیت زندگی مردم این سامان و مملکت استفاده کرد. در شرایط فعلی، ما از این آب برای آبیاری استفاده نمی‌کنیم، ولی از دهه هفتاد میلادی در جمهوری داغستان روسیه از این آب برای آبیاری استفاده و محصولات کشاورزی خوبی هم برداشت شده است.

دریای شمال به‌مثابه محل شنا و ورزش و جاذبه گردشگری نقش مهمی در اقتصاد منطقه و کشور دارد.

ب - دریای جنوب: دریای جنوب نیز عامل تعدیل‌کننده آب و هواست (دریا هوای داغی را که از عربستان، عراق و امارات می‌وزد، تعدیل و شرایط زندگی و نگهداری محصولات کشاورزی را مساعد می‌سازد، به گونه‌ای که اگر دریای جنوب نبود مثلاً امکان داشت هوای داغ مرزهای منطقه ساحلی کشور ما را از بین ببرد یا خسارات زیادی به‌بار آورد).

دریای جنوب دارای ذخایر عظیم و متنوع شیلات است و در آن بیش از چهارصد نوع ماهی و بهترین میگوهای جهان پرورش می‌یابند. صید و اشتغال به صیادی و استفاده از این منابع، نقش مهمی در زندگی مردم به‌ویژه در جنوب کشور دارد.

دریا راه آبی استراتژیک مهمی است؛ به ویژه برای ساکنان سواحل که می‌توانند محصولات



خود را به کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس صادر کنند و از آنجا اجناس لازم را خریداری کرده، در ایران به فروش برسانند.

اگر در شمال کشور از آب دریا می‌توان برای آبیاری در کشاورزی استفاده کرد، در جنوب می‌توان از دریا به‌مثابه محل کشت و کشاورزی استفاده کرد (با پاشیدن تخم جلبک در سطح دریای گرم، پس از چند روز می‌توان حجم و تعداد زیادی جلبک به‌منزلهٔ علوفهٔ بسیار باارزش (۳/۵ برابر پروتئین یونجه) برداشت کرد. این زراعت به جای آبیاری، به «آفتاب‌یاری» نیاز دارد که طبیعت خودش آن را فراهم کرده است. لذا ساکنان این منطقه می‌توانند با هزینه‌ای بسیار اندک، از دریا علوفه‌ای بسیار زیاد و باارزش برای دامها تهیه کنند که ضمن توسعهٔ دامداری خود، می‌توانند با فروش آن نیاز دیگر مناطق کشور را هم به میزان عمده‌ای تأمین کنند (متأسفانه این اقدامات در کشور ما صورت نگرفته است. در حالی که ساحل این منطقه از کشور از لحاظ مراتع و علوفهٔ دام بسیار فقیر است و مردم این منطقه از دامداری درآمد ناچیزی دارند (آن‌هم با زحمت زیاد). آنها برای تأمین علوفه دامهای خود اغلب از برگ و شاخه درختان یا جنگلهای دریایی که حرا و چنندل یا به زبان خارجی مانگرو<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند، استفاده می‌کنند و موجب نابودی این جنگلهای باارزش می‌شوند ضمن اینکه این درختان مواد غذایی لازم برای دامها را هم ندارد).

پس از این شرح مختصر دربارهٔ نقش چند عامل طبیعی در مساعد شدن شرایط زندگی و بهبود اوضاع اقتصادی و غیره، اکنون به شرح مطالبی دربارهٔ زندگی، اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردم در نواحی مختلف ایران که از لحاظ طبیعی متفاوت هستند، می‌پردازیم. اما از آنجا که ایران از نواحی متعددی تشکیل شده است، ذکر مطالب دربارهٔ آنها نیاز به نوشتن کتابها دارد که در حوصلهٔ این مقاله نیست. بنابراین، در صفحات آینده فقط مطالبی مختصر، دربارهٔ چند منطقهٔ تقریباً متفاوت از هم خواهیم نوشت و در فرصتهای بعدی، انشاءالله به شرح مطالب دربارهٔ دیگر نواحی خواهیم پرداخت، آن هم با توصیف بیشتر و ذکر جزئیات (اگر این مقاله مورد قبول خوانندگان محترم قرار گیرد).

## شرایط طبیعی زندگی و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم مناطق مرطوب شمالی کشور

استانهای گیلان، مازندران و گلستان در عرض جغرافیایی پایین تر از ۴۵ درجه شمالی واقع شده‌اند که می‌بایست تحت تأثیر هوای پرفشار مجاوره حاره‌ای، مناطق خشک و بیابانی کم‌باران و فقیر از لحاظ آب و پوشش گیاهی و جمعیت انسانی می‌شدند و زندگی و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم بر مبنای زندگی ساکنان نواحی بیابانی استوار می‌بود و رواج می‌داشت، اما باقی ماندن دریای مازندران و پیدایی کوههای البرز، تالش و غیره سبب شد که در این عرض جغرافیایی منطقه‌ای مرطوب معتدل پر باران و استثنایی از لحاظ اقلیمی پدید آید؛ همان‌گونه که در بسیاری از مناطق جهان آب و هوای مرطوب معتدل وجود دارد (مانند اروپای مرکزی)؛ اما بسیاری از محصولات مهم و عمده کشاورزی که در نواحی مرطوب شمالی کشور ما عمل می‌آیند، در آنجا عمل نمی‌آیند و برای کشاورزان آنجا نیز ناآشنا و ناشناخته‌اند مانند خربزه در غرب گیلان، برنج و چای و کیوی در گیلان و مازندران و پنبه در شرق مازندران و سراسر استان گلستان و بسیاری از دیگر محصولات.

منابع زندگی و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان نواحی مرطوب شمالی کشور عبارت‌اند از دریا و ذخایر آن، جنگل و کشاورزی و دامداری در آن. زندگی شیلاتی و صید و صیادی بنیان اقتصادی و فرهنگی جمعیت زیادی از ساکنان حواشی دریا به‌شمار می‌رود. لباس، مسکن و نوع غذای آنان (استفاده از پروتئین دریایی در هر وعده غذایی) نیز بر مبنای شغل و منبع درآمد آنان برنامه‌ریزی شده است.

با آنکه جلگه‌های گیلان و مازندران دارای آب و هوای معتدل مرطوب است، اما از غرب به شرق و برعکس، و همچنین از شمال به جنوب (از دریا به کوهستان)، دارای انواع مختلف آب و هواها و در نتیجه خاکهای متفاوت است؛ به گونه‌ای که این تنوع اقلیمی و خاکی سبب تنوع منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق مختلف گیلان و مازندران شده است. برای مثال در بخشی از غرب گیلان، همانند گذشته، پرورش چوب از فعالیتهای و منابع اقتصادی ساکنان آن به‌شمار می‌رود مانند منطقه ارم سادات که می‌شود گفت در آنجا زراعت چوب رواج و درآمد

سرشاری دارد (از یک هکتار زمین که در آن درختان صنوبر می‌کارند، پس از چهار سال، بیش از سه میلیون تومان درآمد حاصل می‌شود. باز این زمین را شخم زده و دوباره درخت صنوبر می‌کارند). فروش چوب و تولید زغال از آن، مهم‌ترین منابع اقتصادی خانوارهای این مناطق است.

در بخش دیگری از گیلان (مثلاً فومنات) کشت توتون رواج دارد. در بخش مرکزی، برنج و در لاهیجان و نواحی شرقی، زندگی و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم بیشتر بر چایکاری استوار است؛ ضمن آنکه زندگی بر مبنای کشت فندق نیز رواج دارد مانند اشکورات. در مازندران غربی مانند تنکابن، به سبب مساعد بودن اقلیم، انواع محصولات باارزش عمل می‌آید و فرهنگ داشتن همه نوع محصولات در این خطه مشاهده می‌شود (چای، برنج، مرکبات، گردو، کیوی، خرمالو، انواع گل‌های شاخه‌ای و درختچه‌های بسیار باارزش زیستی و غیره). در مازندران مرکزی مانند ساری و آمل و غیره، مهم‌ترین محصولات، مرکبات و برنج است؛ ضمن آنکه کاشتن دیگر محصولات مانند توت‌فرنگی و انواع سبزی خوراکی و غیره نیز رواج دارد. در مازندران شرقی، علاوه بر برنج و مرکبات، دانه‌های روغنی بسیار باارزش مانند کلزا، پنبه و غیره نیز از محصولات عمده به‌شمار می‌روند.

زندگی در جنگل و بر مبنای دامداری سنتی: شغل اصلی مردم در گیلان و مازندران، کشاورزی و صنایع وابسته است، اما بخشی از مردم در جنگل زندگی می‌کنند و شغلشان دامداری سنتی است. به این خانوار «گالش» گفته می‌شود. این مردم که در جنگل زندگی و دامداری می‌کنند، اکثر نیازهایشان را نیز از چوب جنگل تأمین می‌کنند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که همه چیز آنها اغلب چوب است. ماده سوختی برای طبخ غذا و چای در منزل و تولید فرآورده‌های دامی، کاسه، قاشق، کفش و غیره همه از چوب است. بخشی از این گالشها، همیشه در جنگل زندگی و دامداری می‌کنند، اما بخشی دیگر، در تابستان دامهای خود را به ارتفاعات (بیلاق) مانند ارتفاعات یا بیلاق ماسوله در گیلان یا قله‌های دوهزار و سه‌هزار در مازندران می‌برند. این مردم تقریباً هیچ حرفه و شغلی جز دامداری سنتی ندارند، اما در سالهای اخیر، در اجرای برنامه «دام - جنگل»، دولت مشغول بیرون کردن آنان از جنگل است (با دادن مبلغی به آنها برای تأمین مسکن در خارج از جنگل و سرمایه‌ای برای یافتن شغلی دیگر).

ساکنان برخی از روستاهای دوردست، هنوز هم با همان فرهنگ و امکانات قدیم زندگی می‌کنند و از وسایل امروزی بهره‌چندانی ندارند؛ شاید هم با آن زندگی و فرهنگ، نیاز چندانی به فناوری جدید احساس نمی‌کنند؛ به گونه‌ای که برخی از روستاها هنوز راه عبور و مرور خودرو ندارند و رفت و آمد به روستاها و شهرها با حیوانات صورت می‌گیرد. به این خاطر با نامساعد شدن شرایط اقلیمی و باریدن برف سنگین در منطقه گیلان در بهمن ۱۳۸۳، ارتباط تمامی روستاهای آن (بالغ بر ۹۰۰ روستا) قطع شد و خدمات‌رسانی به بسیاری از روستاها پس از گذشت یک هفته، همچنان غیرممکن بود و فقط از طریق هوایی (هلیکوپتر = بالگرد) تا حدودی رساندن خدمات به برخی از این روستاها امکان‌پذیر شد.

**زندگی از جنگل:** با توجه به مساعد بودن شرایط اقلیمی برای به‌وجود آمدن جنگلهای بارانی فقط در نواحی شمالی کشور، در این منطقه، خانوارهایی با زندگی یا اشتغال در امور مختلف مربوط به جنگل و چوبهای حاصل از آن، به اصطلاح زندگی جنگلی دارند و با کاشت یا داشت یا برداشت درخت و چوب و صنایع مربوط به آن، امرار معاش می‌کنند. وجود جنگل به‌مثابه عامل مهم در زندگی ساکنان این مناطق، سبب شده است که فرهنگ هدیه سهمیه چوب به دخترانی که به خانه بخت می‌روند برای تهیه جهیزیه داده شود. به‌طورکلی، تولید بسیاری از نیازها و وسایل زندگی شاغلان در جنگل، از چوبهای جنگلی، در فرهنگ این مردم رواج دارد. مسکن نیز با توجه به شرایط اقلیمی و نیز استفاده از الوارهای مناسب، با چوب ساخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد (به عبارت دیگر فرهنگ استفاده از چوب در خانه‌سازی رواج دارد).

در استان گلستان بارندگی خیلی کمتر از استانهای مازندران به‌ویژه گیلان است و مقدار آن از شرق به غرب و از جنوب به شمال کاهش می‌یابد. این استان دارای آب و هوای نیمه مرطوب تا نیمه خشک است و فقط بخشی از غرب آن در مجاورت دریا بوده و دارای امکانات استفاده از دریا و ذخایر آن است. استان گلستان در مجموع منطقه‌ای کشاورزی و دامداری است، اما نوع محصولات و دام آن با استانهای گیلان و مازندران تفاوت دارد. اقلیم این منطقه به‌ویژه برای کشت پنبه، سویا، ذرت، چغندر قند، کلزا، سیب‌زمینی و غیره مناسب است و در دهه‌های اخیر برنجکاری در بخشهایی از آن رواج پیدا کرده است (مانند آق‌قلا). در استانهای گیلان و مازندران،

دامها بیشتر از نوع گاوهای کوچک با دامداری سنتی و گوسفندان آن زل (بدون دنبه) و اسبها کوچک و از نوع یابو (بیشتر برای مصارف بارکشی) است و اغلب در سطح دشت و مزارع سرگردان هستند، اما در استان گلستان گاوهای رشید و درشت، اسبهای سواری با نژادهای معروف ترکمنی و مورد استفاده برای مسابقات اسب‌دوانی و گله‌های بز و میش (گوسفندان دنبه‌دار) و همچنین انواع شترها دیده می‌شوند. در ایران به‌طور کلی سه نوع یا گروه شتر نگهداری می‌شود: شترهای گوشتی، شترهای شیری و جماز یا سواری. شترهای گوشتی بیشتر در قسمتهای مرکزی و جنوب شرقی ایران مانند استانهای قم، سمنان، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و غیره و شترهای شیری بیشتر در استان گلستان و شترهای جماز که جثه‌ای کوچک و اندامی باریک و مساعد برای دویدن دارند، بیشتر در استان بوشهر که مشتریان زیادی از کشورهای عربی به ویژه امارات متحده عربی دارند، پرورش داده می‌شوند (برای انجام مسابقات شتردوانی، به‌ویژه در فصل پاییز در دشتهای وسیع ماسه‌ای بیابان ربع‌الخالی) پرورش می‌یابند. با توجه به آنچه به اختصار درباره انواع دام و محصولات کشاورزی استان گلستان بیان کردیم، زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان این استان بیشتر بر مبنای کشاورزی و دامداری است، آن‌هم متفاوت با استانهای مازندران و گیلان. صنایع دستی از منابع تولیدات دامی و کشاورزی مانند قالی، گلیم، پستی، جاجیم و غیره رواج زیادی دارد. استفاده از اسب برای سواری، و به‌ویژه پرورش اسبهایی برای انجام مسابقات اسب‌دوانی در هر سال، در سطح محلی و ملی از ویژگیهای مردم این استان به‌خصوص طوایف ترکمنهاست. کشت و صنعت (ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی) از دیگر ویژگیهای اقتصادی این استان، به‌ویژه در دشت معروف گرگان است. دشت وسیع و حاصلخیز معروف استان گلستان (ترکمن صحرا) و کمبود منابع آب سطحی و بارندگی، سبب شده‌اند که فرهنگ استفاده بیش از حد از آبهای زیرزمینی برای توسعه کشاورزی در این استان رواج پیدا کند به گونه‌ای که امروزه صدها حلقه چاه عمیق و نیمه‌عمیق در این منطقه حفر شده است و رواج این فرهنگ (حفر زیاد چاه و بهره‌برداری بیش از حد از آبهای زیرزمینی) کشاورزی منطقه وسیع و حاصلخیز دشت معروف گرگان را تهدید می‌کند (تمام شدن آب زیرزمینی). همچنین به علت کمبود منابع آب شیرین سطحی و فقدان آب زیرزمینی قابل

شرب در بخشهای غربی و شمال غربی آن، از گذشته‌های دور فرهنگ جمع‌آوری آب باران از سطح بامها و ذخیره آنها در آب‌انبارها برای مصرف شرب رواج دارد (برای مثال در کیش تپه، اینچه‌برون، داشلی‌برون و غیره). در بندر ترکمن زندگی و فرهنگ متفاوت با دیگر مناطق استان گلستان است، زیرا اقتصاد و زندگی ساکنان این منطقه بیشتر وابسته به ذخایر و فعالیت دریایی، به‌ویژه صید ماهی خاویاری است و فرهنگ استفاده از پروتئین دریایی در سبذ غذایی به جای استفاده از دیگر پروتئینها (دامی و مرغی) رواج دارد.

### شرایط طبیعی زندگی و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان مناطق ساحلی جنوب ایران، به‌ویژه منطقه چابهار

در بخش قبلی درباره مناطق مرطوب و ساحلی شمال کشور صحبت کردیم. در اینجا از نقش عوامل طبیعی در زندگی و فرهنگ مردم سواحل جنوب کشور مطالبی ذکر می‌کنیم: همان‌طور که گفتیم، در طول دوره تکامل زمین، با خشک شدن دریاها، دریایی هم در جنوب کشور برای ما باقی ماند و با چین خوردن سرزمین و کوهستانی شدن آن، در جنوب کشور نیز رشته کوههایی به‌وجود آمدند مانند کوههای مکران در جنوب شرق ایران. دریای جنوب (بحر عمان و خلیج فارس) و کوههای شمالی آن، در این عرض جغرافیایی (۱۵ درجه شمالی) سبب شدند که در جنوب کشور، به‌ویژه منطقه چابهار، آب و هوای گرم مرطوب کم‌باران به‌وجود آید. از آنجا که منطقه ساحلی جنوب ایران بسیار وسیع است (از چابهار در استان سیستان و بلوچستان تا جاسک و بندرعباس در استان هرمزگان و بندر لنگه و بوشهر در استان بوشهر و بندر ماهشهر و آبادان در استان خوزستان)، ذکر ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم ساکن در این مناطق در حوصله این مقاله نیست. پس برای جلوگیری از اطاله کلام تنها به ذکر مطالبی درباره برخی از این مناطق، به‌ویژه چابهار که منطقه‌ای استثنایی نه تنها در ایران، بلکه در جهان است، اکتفا می‌شود.

چابهار دارای آب و هوای گرم، کم‌باران و رطوبت نسبی بالاست. گرم است برای اینکه در نزدیکی رأس‌السرطان، یعنی منطقه‌ای که خورشید تقریباً عمود بر آن می‌تابد، واقع شده است.

رطوبت نسبی آن بالاست (در زمستان از ۶۵ درصد کمتر نمی‌شود و در تابستان برخلاف دیگر مناطق جهان به صد در صد می‌رسد)، زیرا عوامل دریا و کوه و به‌ویژه بادهای مرطوب موسمی<sup>۱</sup> در فصل تابستان از اقیانوس هند، در این عرض جغرافیایی، توأم با هم مؤثر است. بارندگی در چابهار کم است (حدود ۱۰۰ میلی‌متر)، زیرا هرچند به‌طور مستقیم در کنار دریا (بحر عمان) واقع شده است، تحت تأثیر هوای پرفشار مجاور حاره‌ای قرار دارد. زمستانها گرم‌ترین نقطه ایران و تابستانها، خنک‌ترین شهر ساحلی جنوب کشور است (دمای آن در تابستان از ۴۲ تا ۴۳ درجه سانتی‌گراد بالاتر نمی‌رود و در زمستان از ۱۵ درجه سانتی‌گراد کمتر نمی‌شود) این موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی سبب شده است که هیچ گیاهی در آن خزان نداشته باشد. مثلاً پنبه را که در دیگر مناطق ایران باید هر سال از نو کاشت تا بتوان از آن محصول برداشت کرد، در اینجا می‌توان یک‌سال کاشت و چندین سال از آن محصول چید. در ابتدای دی یعنی ابتدای زمستان که دمای هوای برخی از مناطق ایران ۲۰- تا ۲۵- درجه سانتی‌گراد زیر صفر درجه است، در چابهار محصول خیار، گوجه، بادمجان و همچنین خربزه درختی (پایایا) در هوای آزاد دست می‌آید. از آنجا که چابهار فصل خزان ندارد و همواره در طول سال تمام گیاهان آن سبز هستند آن را «چهار بهار» نامیده‌اند (چهار بهار دارد). در چابهار انواع میوه‌های گرمسیری مانند موز، انبه، خربزه درختی، تمبر هندی، مکرزن، نارگیل و حتی درختی که از آن کائوچو می‌گیرند و دهها درخت و میوه دیگر عمل می‌آید و حتی در فصل زمستان، دوبار در هر ماه می‌توان یونجه چید که این شرایط در ایران نادر است.

نه تنها شرایط اقلیمی برای رشد گیاهان همیشه مساعد است، بلکه سبب شده است که حیوانات این منطقه نیز رشید و رشدی فوق‌العاده داشته باشند مانند گاوهای این منطقه که همچون گاوهای معروف سیستانی جثه‌ای تنومند، قد و غبغبی بلند دارند؛ هر چند منطقه به سبب بارندگی کم از لحاظ مواد غذایی و علوفه دامی فقیر است.

انسانها هم در این منطقه رشدی غیرعادی و متفاوت با مناطق مرکزی، شمالی و دیگر مناطق ایران و حتی بسیاری از مناطق جهان دارند، آن‌هم رشد جنسی، زیرا دختران، شاید بهتر بتوان

گفت «دختر بچه‌ها» در این سرزمین، در سن نه سالگی به سن بلوغ می‌رسند و در ۲۰ سالگی ممکن است دارای چندین فرزند و در مواردی که دوقلو می‌زایند، فرزندان بسیار متعددی داشته باشند. در چابهار از لحاظ طبیعی علاوه بر ساحل ماسه‌ای بسیار زیبا و مناسب برای شنا، هوا و آب دریا آن قدر گرم است که در فصل زمستان هم می‌توان در دریا شنا کرد. اگر دولت به این شرایط مساعد اقلیمی توجه کند، همان‌گونه که پرندگان در فصل پاییز و زمستان از دیگر مناطق سردسیر جهان به کشور ما مهاجرت می‌کنند، انسانها نیز از مناطق سردسیر داخلی و خارجی برای لذت بردن از هوای مساعد زمستان چابهار به این منطقه مهاجرت خواهند کرد و گردشگرهای بسیار زیادی به این منطقه خواهند آمد. هوای ملایم، آب گرم، منطقه سرسبز و همیشه بهار نقش مهمی در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و کشور خواهد داشت، ضمن آنکه بهترین میگوهای جهان و همچنین شاه‌میگوها (لابستر) و همچنین میگوهای زینتی در دریای منطقه چابهار عمل می‌آیند. همچنین زیباترین و گران‌ترین موجود نادر و بسیار کمیاب در جهان، یعنی تمساحهای نقره‌ای پوزه کوتاه، در آب رودخانه‌ها و چاله‌های آب که به زبان محلی هوتک<sup>۱</sup> گفته می‌شود به تعداد زیاد وجود دارند و چون بلوچها این حیوانات را مقدس می‌دانند از صید و شکار آن خودداری می‌کنند. باز شرایط اقلیمی چابهار به گونه‌ای است که گران‌ترین و باارزش‌ترین چوب ایران، و حتی می‌شود گفت جهان (با ارزش تر از چوب گردو)، در این منطقه وجود دارد و آن درخت زیبای چش<sup>۲</sup> با قد بلند و گل‌های زرد قشنگ است که چوب آن برای لنج و کشتی‌سازی به کار می‌رود و چون در آب نمی‌پوسد، بسیار با ارزش است. متأسفانه این درختان بر اثر بی‌مراقبتی و فرهنگ نادرست خانهای منطقه در حال نابودی است، زیرا از پاکستان به آنها مراجعه کرده و با پرداخت اندک پول (۷-۸ هزار تومان) درختی را که چوب آن صدها هزار تومان ارزش دارد، قطع کرده و برای لنج‌سازی و غیره به مملکت خود می‌برند. خلاصه دهها مورد از این‌گونه در رابطه با شرایط طبیعی مساعد چابهار وجود دارد که می‌توان صدها صفحه درباره آن مطالب نوشت که سراسر ناشی از استعدادهای منطقه است که آن را در جهان منحصر به فرد و استثنایی کرده است. یعنی هیچ منطقه‌ای در سطح کره زمین ویژگیهای چابهار را ندارد حتی فلوریدای امریکا، زیرا درست است که شرایط اقلیمی آنجا هم مثل چابهار مساعد است و امکان



استفاده از آب دریا در فصل زمستان هم وجود دارد که همه ساله میلیونها گردشگر در فصل زمستان به آنجا می‌روند ولی گاهگاهی شرایط طبیعی نامساعدی در آن اتفاق می‌افتد که موجب ویرانی منازل و دیگر ساختمانها و کشته شدن انسانها و وارد آمدن میلیاردها دلار خسارت می‌شود و آن توفانهای شدید (تورنادو) است که چنین بلای طبیعی در چابهار هیچگاه اتفاق نیفتاده و همیشه هوا و دریای آن آرام و زیبا و لذت بخش است.

با توجه به آنچه درباره شرایط طبیعی و به‌ویژه اقلیمی و دریایی چابهار به اختصار گفته شد، می‌توان دریافت که زندگی و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم در این منطقه چگونه است. اما متأسفانه با وجود تمام این استعدادها و امکانات، مردم بومی امکانات امروزی، فرهنگ پیشرفته و زندگی اقتصادی و اجتماعی خوب و درآمد کافی ندارند و بیشتر آنها با داشتن همسران متعدد و در نتیجه فرزندان بسیار زیاد، همواره در شرایط نامساعد زندگی به‌ویژه از لحاظ اقتصادی و فرهنگی به سر می‌برند. به نقل از نماینده دوره گذشته مردم چابهار در مجلس شورای اسلامی که اتفاقاً خودشان هم چابهار هستند، مردان چابهار سخی (با سخاوت) و زنان چابهار ولخرج هستند، زیرا معتقدند که مردان کارمند چابهار زمانی که حقوق ماهانه خود را دریافت می‌دارند، سعی می‌کنند تا آنجا که امکان دارد احتیاجات فرزندان خود را تأمین کنند، آن‌گاه هر قدر آن‌که زیاد آمد، آن را به همسر خود می‌دهند. اما همسر سعی می‌کند ظرف چند روز با ولخرجی آن پول را تمام کند، زیرا معتقد است که اگر «شلوار مرد چابهار دو تا شود حتماً همسر او هم دو تا می‌شود». ناگفته نماند که مردان بومی غیرکارمند (کارگر و غیره) این منطقه، اغلب فرهنگشان به گونه‌ای است که فقط چند ماه از سال کار می‌کنند و در فصل گرما از کار دست می‌کشند، اما در سالهای اخیر با توسعه بندر چابهار و ایجاد منطقه آزاد در آن که سبب شده است جمع‌کثیری از مردم از دیگر نقاط ایران و حتی جهان به چابهار بروند و در آنجا کار و زندگی کنند، زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم متحول شده است؛ به خصوص با توسعه شیلات و صید و صیادی و بالاخص با مساعد و استثنایی بودن شرایط برای پرورش میگو، حتی برخلاف دیگر مناطق ساحلی، دوبار در سال با ایجاد هزاران هکتار استخر در اراضی مجاور دریا و استفاده از آب (با پمپاژ) تغییر و تحول زیادی در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کارکنان و ساکنان این منطقه رخ داده است.

با توجه به مساعد بودن شرایط اقلیمی و دریایی و موقعیت استراتژیک چابهار، چنانچه دولت با برنامه‌ریزی جامع توجه زیادی به این منطقه بکند از مناطق معروف جهان شده که می‌تواند نقش مهمی در بهبود زندگی همه‌جانبه مردم این منطقه و اقتصاد کشور داشته باشد. در منطقه بلوچستان جنوبی (شمال چابهار، غرب ایرانشهر و شرق چاله جازموریان) به‌ویژه منطقه بزمان، مردم دارای زندگی جالبی هستند که از لحاظ گردشگری منطقه بسیار ارزشمندی به‌شمار می‌رود. در اینجا سنگی است که از یک طرف آن، آب سرد و از طرف دیگر، آب گرم از دل زمین بیرون می‌آید. از آب گرم برای حمام کردن در هوای آزاد استفاده می‌کنند (دولت برای این مردم حمام سرپوشیده ساخت، اما هیچ‌کس از آن استقبال و استفاده نکرد). مردم خود با ساختن فضایی برای رختکن، دور تا دور یک استخر بزرگ، حمام مردانه درست کردند و عین آن را در پشت آن، حمام زنانه؛ به گونه‌ای که آب گرم ابتدا وارد حمام مردانه و پس از استفاده مردان، وارد حمام زنانه می‌شود و پس از خروج از آنجا، برای آبیاری مزارع و باغهای خرما و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این منطقه که زمستان آن بالنسبه سرد است ولی تابستان آن خیلی گرم، همچنین تا منطقه‌ای که به چاه هاشم معروف است، بیشتر خانه‌های گیاهی است یعنی از گیاه ساخته می‌شود. در منطقه بزمان هر خانواده بزرگ سنتی دارای چهار نوع خانه است.

۱- خانه‌های گلی: اتاق بزرگی از خشت و گل با سقف ضربی برای گذراندن فصل سرد زمستان. در بهار و تابستان با گرم و گرم‌تر شدن هوا، از سه نوع خانه گیاهی استفاده می‌کنند که به شرح زیر است:

۲- کتوک<sup>۱</sup>: این خانه تقریباً بیضی شکل و اسکلت آن از دمبرگ خرماست که با بستن و بافتن آنها به هم، شبکه‌ای از خشت شکل می‌گیرد و روی آن را با برگ خرما، به‌ویژه برگهای پهن خرما، زینتی (گیاهان داز) که آنها را به هم بافته و متصل کرده‌اند، می‌پوشانند. هوا از منافذ زیر برگها و دمبرگها وارد فضای داخل خانه می‌شود. اگر هوا گرم شود با بالا زدن پوشش خانه (حصیر)، سعی می‌کنند هوای بیشتری وارد خانه شود. کتوک را می‌توان از محلی به محل دیگر منتقل کرد.

۳- کنوک<sup>۱</sup>: این خانه عین کتوک است با این تفاوت که در مناطقی که خطر جاری شدن رودناب یا سیل‌های کوچک وجود دارد، برای محفوظ و در امان ماندن از زیان آن، پس از آنکه کنوک را در جای خود مستقر کردند، دور تا دور آن را دیوار کوتاهی از گل درست می‌کنند. کنوک را نیز همانند کتوک می‌توان حمل کرد اما دیوارگلی در جای خود می‌ماند.

۴- خارخانه (آدوربند): با فرارسیدن فصل تابستان و وزیدن بادهای داغ، دیگر حتی کنوک و کتوک هم قادر نیستند محیط زندگی را خنک کنند. در این فصل، از خانه‌هایی که خارخانه یا آدوربند گفته می‌شود، استفاده می‌کنند. برای ساختن آدوربند که تمام آن از مواد گیاهی است (شاخه درختان گز و نی باغی)، از خارشتر نیز استفاده می‌شود که آن را دور تا دور خانه، بین شاخه‌ها قرار می‌دهند (مانند پوشال کولر) و به هنگام گرم شدن هوا به آن آب می‌پاشند که با وزیدن باد، همچون کولر آبی، هوای داخل خانه را بسیار خنک می‌کند. شایان ذکر است که در این شرایط اقلیمی، کولرهای آبی قادر نیستند خانه‌ها را خنک کنند، چنان‌که در بعضی خانه‌های ساخته شده به صورت مدرن و امروزی در بخش دامن<sup>۲</sup> از توابع ابرانشهر، از این نوع کولرها نصب شده است ولی خنکی ندارد و از این‌رو ساکنان آنها نیز از خارخانه استفاده می‌کنند. پس یا باید قدرت مالی داشت و از کولرگازی استفاده کرد وگرنه، فقط از خارخانه؛ کولر آبی مفید واقع نمی‌شود. استان هرمزگان از دیگر مناطق دارای آب و هوای گرم ساحلی با مرکزیت بندرعباس است. این منطقه که از بندر جاسک در شرق تا بندر خمیر در غرب ادامه دارد به دلیل وجود دریا و توپوگرافی و وجود برخی ارتفاعات مانند قله گنو، دارای انواع آب و هواها و شرایط بسیار مساعد، به‌ویژه در فصل زمستان، برای تولید انواع محصولات کشاورزی است؛ به گونه‌ای که به‌ویژه در دهه‌های اخیر، سبزیکاران و گلکاران از دیگر مناطق کشور مانند گلپایگان و غیره با اجاره کردن آب و خاک، در فصل زمستان در هوای آزاد اقدام به کشت و پرورش انواع مختلف سبزی و گل می‌کنند. در حالی که در زمستان قله سرد گنو پوشیده از برف است دشت پایین دست آن (اپسین و غیره) پوشیده از مزارع سبزی و گل‌های الوان است.

میوه‌های گرمسیری مانند موز، انبه، نارگیل و غیره همچنین پرتقال و دیگر مرکبات در

مناطق از استان هرمزگان، به‌ویژه مناطق معروف کشاورزی آن مانند رودان و میناب، به عمل می‌آیند. بهترین انبه ایران با تولید هر درخت، دو تا سه میلیون تومان انبه، در میناب استان هرمزگان عمل می‌آید. بهترین گوجه‌فرنگی در فصل زمستان در هوای آزاد دشتهای این استان تولید می‌شود و جالب است در فصل تابستان که مرکبات در مناطق شمالی کشور مانند مازندران در اوج رشد و شکوفایی هستند، در منطقه بندرعباس درختان مرکبات به خواب تابستانی می‌روند تا از گرمای شدید هوا خود را محفوظ دارند.

با ایجاد اسکله شهید رجایی و کارخانه‌های پتروشیمی و دیگر کارخانه‌ها و صنایع، استان هرمزگان، به‌ویژه منطقه بندرعباس، به قطب صنعتی نیز تبدیل شده است که همین امر، موجب بالا رفتن سطح زندگی و گرانی مسکن و دیگر نیازهای عمومی، به‌خصوص برای مردم محلی این مناطق شده است. هرچند توسعه صنایع، به‌ویژه انتخاب جزیره قشم به عنوان منطقه آزاد، تغییر و تحول عظیمی و حتی دگرگون‌کننده‌ای در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم این استان، به‌خصوص منطقه بندرعباس، به‌وجود آورده است، اما صرف‌نظر از کشاورزان، زندگی بیشتر مردم بومی از دریا و منطقه آزاد قشم می‌گذرد. عده‌ای با وارد کردن مواد و اجناس به‌طور قانونی و غیرقانونی از قشم به بندرعباس و دیگر بنادر و اسکله‌های قانونی و غیرقانونی این استان (از جاسک گرفته تا بندر خمیر) و عده‌ای هم که در بازارها، به‌خصوص بازار بندرعباس مشغول فروش این اجناس به دسته‌دسته مردمی هستند که از استانهای مجاور و دیگر نقاط ایران برای خرید اجناس خارجی به بندرعباس می‌روند. در گذشته، مردم عادی به علت گرمی هوا، در تمام طول سال بیشتر در خانه‌های کپری زندگی می‌کردند، اما امروزه خانه‌ها به صورت مدرن درآمده و کولر گازی یا بادگیرهای مخصوص که از هر طرف باد بوزد، باعث خنکی هوای داخل منزل می‌شوند.

**شرایط طبیعی و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردمان ساکن در دشتهای گرم و خشک مرکزی کشور مانند یزد، نائین، خور، جندق و...**

بخشهای مرکزی کشور که از دشتهای وسیع تشکیل شده و فاقد رشته کوههای مرتفع است، تحت تأثیر عوامل نامساعد اقلیمی مانند هوای پرفشار مجاور حاره‌ای و بادهای گرم و خشک

آلیزه، دارای آب و هوای خشک و بیابانی، و سرزمینی اغلب پوشیده از نمکزارها (کویرها) و عرصه‌هایی تحت تأثیر بادهای و طوفانهای ماسه‌ای و گرد و غباری و نیز پوشیده از ماسه‌بادی به اشکال مختلف هستند (نواحی بیابانی). در چنین شرایط اقلیمی (خشک و بیابانی) که از لحاظ بارندگی بسیار فقیر است، پوشش گیاهی منطقه بسیار فقیر و حتی عرصه‌هایی به کلی فاقد گیاه است. در این شرایط از طرفی فرسایش بادی شدید با ایجاد طوفانهای ماسه‌ای و گرد و غباری، زندگی را بر مردم مشکل می‌کند و از طرف دیگر، فقر یا فقدان پوشش گیاهی، دامداری را محدود می‌سازد که حتی در بعضی سالها با وقوع خشکسالی (نباریدن یا کم باریدن همین مختصر بارندگی معمولی) شرایط به گونه‌ای سخت و پوشش گیاهی آن‌چنان نابود می‌شود که بسیاری از دامها از بین رفته یا صاحبان آنها به علت نداشتن علوفه لازم، مجبور به فروش آنها می‌شوند که جبران آنها در آینده سخت یا غیرممکن می‌شود.

در این شرایط اقلیمی، یعنی زیاد بودن مقدار تبخیر آب از زمین (بر اثر گرم و خشک بودن هوا و بادهای شدید و دائمی) و کم بودن بارندگی، املاح در سطح خاک متمرکز شده و در عرصه‌های وسیعی از منطقه، نمکزار یا کویر به وجود می‌آیند که نه تنها برای کشاورزی مناسب نیستند، بلکه با ایجاد زه‌آبهای کشور، زمینهای مزروعی اطراف خود را نیز شورتر کرده و به تدریج آنها را هم به کویر (نمکزار) تبدیل می‌کنند (پیشروی کویر). این پدیده، یعنی پیشروی آب شور و کویر، ابتدا باعث کاهش حاصلخیزی اراضی روستاهای مجاور و کمتر شدن تولید محصولات و درآمد کشاورزان در واحد سطح شده، به مرور زمان، باعث کویری شدن زمینهای مزروعی می‌شود که سرانجام سبب مهاجرت ساکنان روستاهای آن منطقه و نابودی تمدنهای کشاورزی و دامداری که با احداث قنات به وجود آمده بودند، می‌شود. از دلایل مهم مهاجرت و خالی شدن روستاها در حواشی کویرها همین شور و کویری شدن خاکهاست. مثلاً بسیاری از روستاهای اطراف دشت کویر یا کویر مرکزی ایران که در شمال آن، شهرستانهایی مانند گرمسار، سمنان، دامغان، شاهرود و در شرق آن طبس و در جنوب آن، جندق و خور واقع شده‌اند، گرفتار این سرنوشت شده‌اند. پس ساکنان این مناطق همواره در مبارزه با پیشروی بیابان و جلوگیری از آثار نامطلوب طوفانهای ماسه‌ای و گرد و غباری و نیز شور و کویری شدن خاکهای خود هستند.

در این شرایط اقلیمی (بارندگی ناچیز)، مردمان ساکن در این مناطق، از لحاظ آب، سخت در مضیقه هستند. رود دائمی شیرین در این مناطق جاری نیست. بر اثر بارندگیهای اتفاقی سیلابهایی جاری می شود که یا سریع به کویرها و چاله ها می ریزند و از دسترس خارج می شوند یا آن قدر شور هستند که استفاده پذیر نیستند. بر این اساس، از قرن ها پیش با اختراع قنات به دست ایرانیان، ساکنان این منطقه با احداث قناتهای متعدد، آب مورد نیاز خود (در صورتی که شوری آن زیاد نباشد)، دامها و کشاورزی را تأمین می کنند. تمدن کشاورزی ناشی از قنات، بیشتر مخصوص این مناطق و قنات با زندگی مردم این مناطق عجین است. اما متأسفانه در دهه های اخیر با رواج فرهنگ حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق موتوری و برقی، چون سطح آب در قنات بالاست و لی چاه آن را پایین می برد، این حساسیت قنات به چاه سبب شده است که بسیاری از این قناتها خشک شوند. با خشک شدن قنات مردم یا مجبور شده اند آن محل را ترک کنند یا با همت اهالی و کمک دولت توانسته اند به جای قنات، از چاههای عمیق و نیمه عمیق برای تأمین آب کشاورزی استفاده کنند. این سیستم جدید تأمین آب، برای ساکنان این مناطق که با فرهنگ چاه و چاهداری آشنا نیستند، مسائلی به وجود آورده است.

ساکنان این مناطق برای تأمین آب شرب (آب شیرین) خود که در آن شرایط بسیار کمیاب است، با احداث حوض یا آب انبار در کنار مسیله ها، هر زمان که آب بر اثر بارندگی در مسیله ها جاری می شد، آب انبار یا حوض خود را پر می کردند و اگر آب سطحی جاری، هر چند موقتی هم وجود نداشت، سعی می کردند با ایجاد آب انبار یا حوض در پای ارتفاعات یا در پست ترین نقطه هر محل، بتوانند به طور طبیعی با هدایت آب بارندگی، آب انبارها یا حوضهای خود را پر آب کنند، هر چند آب این آب انبارها یا حوضها به تدریج به دلیل راکد و کم آب بودن، در آن هوای گرم غیر بهداشتی می شد، اما سعی می کردند با ایجاد یک بادگیر و حتی بادگیرهای متعدد در بالای مخزن حوض یا آب انبار و استفاده از جریان باد، آب را تا حد ممکن خنک نگهدارند که دیرتر غرض و غیربهداشتی شود.

هنوز هم در بسیاری از این مناطق، مردم به آب این حوضها و آب انبارها عادت دارند (به خصوص به خاطر اینکه آب شیرین در آنها ذخیره می شود) به ویژه مردمان قدیمی آب این

منابع را به آب چاههای عمیق و قنات ترجیح می‌دهند. اما در سالهای اخیر با پیشرفت علم و فناوری و به وجود آمدن تحول در زندگی مردم و به خصوص خواسته جوانان، به تدریج دیگر روشهای تأمین آب، جای حوض و آب‌انبار را گرفته و دولت سعی می‌کند آب بهداشتی برای مردم تأمین کند یا خود مردم دیگر حاضر نیستند از آن آبها استفاده کنند. بر این اساس یا اغلب به شهرها و دیگر مناطق برخوردار از آب بهداشتی و شیرین مهاجرت می‌کنند یا دولت آب‌انبارها یا مخازن آجری احداث می‌کند و با حمل آب با تانکر، این مخازن را از آب شیرین پر می‌کند یا با لوله‌کشی از نقاط دیگر، آب شیرین تأمین می‌کند یا اینکه با احداث کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن، آب شور محلی را شیرین کرده، به مردم می‌فروشد. با تمام این تفصیلات و اقدامات، ساکنان این مناطق همواره با کمبود و در مواردی هم به‌طور مقطعی و زمانی با قطع آب شرب مواجه هستند. بنابراین، مهم‌ترین دغدغه و مسئله زندگی ساکنان این مناطق، آب است؛ چه برای شرب و چه برای کشاورزی و دامداری و صنعتی.

پیشینیان برای اینکه در این شرایط اقلیمی گرم و خشک و بیابانی تا حد ممکن راحت زندگی کنند، خانه‌ها و منازل خود را با توجه به شرایط، بیشتر از خشت و گل با دیواری ضخیم و سقفهای گنبدی‌شکل و ضربی (به شکل پشت ماهی) بنا می‌کردند. خانه را در وسط حیاط می‌ساختند تا در اوقات مختلف شب و روز بتوانند از جهات مختلف آن استفاده کنند. برای مثال، صبحها که آفتاب از شرق می‌تابد، برای آنکه صبحانه را در محیطی خنک صرف کنند، فرش و سفره صبحانه را در سمت غرب ساختمان پهن می‌کردند و در آنجا صبحانه می‌خوردند. عصرها که آفتاب از غرب می‌تابد، ابتدا سطح زمین را با پاشیدن آب خنک‌تر می‌کردند، بعد با پهن کردن فرش در ضلع شرقی خانه به صرف چای و استراحت می‌پرداختند. شبها از ضلع شمالی که اغلب ایوانی هم داشته، استفاده می‌کردند تا از نسیم خنک شبانه که از سمت شمال می‌وزد، بهره‌مند شوند. ظهرها که هوا خیلی گرم بود، آنها که زیرزمین داشتند، از آن استفاده می‌کردند، به خصوص خانه‌هایی که زیرزمین آن مجهز به هواکش و حوضی در وسط بود از خنکی بسیار مطبوع و لذتبخشی برخوردار بودند. ساکنان خانه‌های بدون زیرزمین، سعی می‌کردند ظهرها از دالان منزل که معمولاً دراز و خنک بود، برای استراحت استفاده کنند. ساکنان

خانه‌هایی هم که دالان نداشتند، سعی می‌کردند شبها درهای اتاق را باز بگذارند تا هوای سرد شب در فضای اتاق، به‌ویژه دیوارهای آن ذخیره شود، آن‌گاه صبح، هنگام نماز، درهای اتاق را می‌بستند تا هوای خنک در آن ذخیره بماند و ظهر که به منزل می‌آمدند در آن اتاق با همان درهای بسته که حدود ۱۰ تا ۱۵ درجه خنک‌تر از هوای بیرون بود استراحت می‌کردند. اگر در اتاق پشه وجود داشت که مانع خواب و استراحت می‌شد، در آن پشه‌بند می‌زدند و در داخل پشه‌بند می‌خوابیدند و اگر اتاق درهای متعدد داشت، حتی شبها در همان اتاق، در پشه‌بند می‌خوابیدند در حالی که درها در تمام طول شب باز بود و هوای خنک در اتاق ذخیره می‌شد، به این ترتیب، شب و روز در آن اتاق پشه‌بند وجود داشت که هم شب در آن استراحت می‌کردند و هم روز.

سقف پشت‌بامها را طوری می‌ساختند که بتوانند در تابستان از آن استفاده کنند؛ چون هوا گرم بود، بیشتر خانواده‌ها سعی می‌کردند شب قبل از شام، آنجا باشند. شام را هم در آنجا بخورند و در همان سطح پشت‌بام بخوابند. صبح که نماز می‌خواندند رختخوابها و پشه‌بندها را جمع کرده، روی آن را با گلیم و فرش می‌پوشاندند تا آفتاب به آنها صدمه نزد تا هنگام فرارسیدن شب دوباره بتوانند با برپا کردن پشه‌بند و غیره و پهن کردن فرش از آن محیط استفاده کنند.

شبها، کوزه‌های آب خود را بالای پشت‌بام می‌گذاشتند که تا صبح، آبش خنک شود. چون در آن زمان هنوز برق و یخچال وجود نداشت، با درست کردن یا خریدن سبزی که معمولاً آن را از شاخه‌های کوچک و نرم بوته‌های گز می‌ساختند و گذاشتن آن در پشت‌بام، ماست و شیری را که قرار بود از آن سرشیر بگیرند در پناه (داخل) آن می‌گذاشتند؛ هرچند در طول شب بر اثر وزیدن باد و گرد و غبار، لایه‌ای از خاک و برگ و غیره در سطح آن جمع می‌شد!!

چون دکان نانوايي نبود، هر خانواده سعی می‌کرد با داشتن تنوری در منزل، نان مصرفی خود را در منزل تهیه کند. ماده سوختی آن از بوته‌های صحرا یا فضولات حیوانات به‌ویژه گوسفند تأمین می‌شد. هر خانواده سعی می‌کرد نیازهای خود از سبزی، گوشت، لبنیات، تخم‌مرغ و میوه را تا حد امکان خودش تهیه کند. بر این اساس، خانه‌ها را طوری می‌ساختند که در قسمتی از آن طویله و بهاربند برای حیوانات سواری و باری و نگهداری چند گوسفند و به‌ویژه گاو وجود داشته باشد تا بتوانند از شیر گاوهای شیری استفاده کنند و بعد هم گوساله را برای گاو شدن و



استفاده از آن برای شخم زمین و غیره یا اگر ماده بود، به عنوان گاو شیری جایگزین مادرش استفاده کنند. محلی را هم به نگهداری مرغ و خروس اختصاص می‌دادند تا هم از پول فروش آن و هم از گوشت آن و هم از تخم مرغ آن استفاده کنند. غذای مرغ هم اغلب از فضولات انسان و دام و دانه‌های جو و غیره یا کرم و سبزی حیاط منزل و همچنین تکان دادن سفزه نان و خرده نانها تأمین می‌شد (تخم مرغ طبیعی!).

قسمتی از محوطه حیاط را به کشت سبزی و قسمتی را به میوه اختصاص می‌دادند که حداقل برای فصل یا فصلی از سال، میوه و سبزی داشته باشند. با خشک کردن سبزی و انبار کردن میوه (در خاک یا آویزان کردن و غیره) سعی می‌کردند سبزی و میوه خود را در طول سال تأمین کنند؛ هرچند که قسمتی از آنها به علت نداشتن امکانات لازم فاسد و غیرقابل استفاده می‌شد.

با استفاده از پرمیغ و پشم و موی گوسفند و بیز و شتر و همچنین پوست آنها و نیز محصولات کشاورزی مانند پنبه و غیره سعی می‌کردند تا آنجا که ممکن است، اجناس و مواد مورد نیازشان را از امکانات و محصولات خودشان تأمین کنند (تشک، متکا، لحاف، جوراب، دستکش، شال‌گردن، طناب و ریسمان اسب و الاغ و جل حیوانات، جوال و خورجین برای حمل وسایل و دیگر مواد. همین‌طور زیرانداز مانند فرش، گلیم، نمد و غیره هم برای خود و هم برای فروش). بر این اساس، مردان در بیرون از منزل و زنان و فرزندان در داخل منزل همیشه مشغول کار بودند؛ به طوری که می‌گفتند: «اولاد بیشتر، زندگی بهتر». برای اینکه حتی بچه‌های کوچک دو ساله هم می‌توانستند به اقتصاد خانواده کمک کنند (روی زمین می‌نشستند و فقط با بالا نگه داشتن دستانشان، مادرشان نخهای قالی‌بافی را از دستی به دست دیگر می‌رساند و به این ترتیب، کلاف نخ تهیه می‌کرد. بگذریم از اینکه دختر شش ساله می‌توانست و می‌تواند روزی سه گره فرش هم بیافد). اولاد بیشتر امکان دامداری بهتر را هم برای خود و خانواده و هم برای اربابش فراهم می‌کرد. بر این اساس، همیشه چوپانانی که فرزند بیشتری داشتند، چون کمک و نیروی انسانی بیشتری داشتند، حقوق و مزد بیشتری می‌گرفتند، به خصوص، برای دوشیدن شیر گله‌های گوسفند و تولید انواع فراورده‌ها از آن مانند پنیر، ماست، کره، قره‌قورت (تروف)، کشک و

غیره، و همین‌طور چراندن گوسفندان در مرتع در طول روز (صبح و بعدازظهر) نیازمند نیروی انسانی زیادی بود که فرزندان به خوبی از عهده آن برمی‌آمدند، اما در دهه‌های اخیر بر اثر پیشرفت و توسعه علم و فناوری و بالا رفتن سطح زندگی، و به‌ویژه رواج فرهنگ شهرنشینی، در کشور ما شرایط به گونه‌ای تغییر کرده است که تقریباً تمامی نظام‌های زندگی، شغلی، سکونت، خانوادگی و غیره که به نمونه‌هایی از آنها در گذشته اشاره شد، حتی در مناطق روستایی و زندگی کشاورزی و عشایری و غیره سست شده یا از هم پاشیده است و روز به روز هم، دگرگون‌تر می‌شود. دیگر نه خانه‌ها را آن‌طور می‌سازند و نه دامداری و کشاورزی به آن صورت رواج دارد و نه فرزندان زیادی وجود دارند که مانند گذشته جزو ثروت به حساب آیند. در گذشته، هر کس سعی می‌کرد فرزند بیشتری داشته باشد تا از امکانات بیشتری استفاده کند و قدرت بیشتری داشته باشد. روی همین اصل، به خصوص در خانواده‌های کشاورزان و دامداران، اولاد زیاد کمک زیادی به زندگی بود و در خانواده‌های ثروتمند، به خصوص خوانین و اربابان املاک و روستاها، فرزندان زیاد نشانه‌اشرافیت و بزرگی بود و حتی اگر اربابی دارای فرزند زیادی نبود، مسئلهٔ مریض بودن همسر او مطرح و در افواه عمومی شایع می‌شد. امروزه خانه‌ها را در هر منطقه با توجه به شرایط آب و هوایی و نیز شغل و حرفه هر کس نمی‌سازند بلکه آن‌گونه که در شهرها برای کارمندان می‌سازند، در مناطق روستایی هم می‌سازند. هر چند این خانه‌ها به سیستم خنک‌کننده (کولر) و آب لوله‌کشی مجهزند، ولی خانواده‌ها به خصوص کشاورزان و دامداران در آن به راحتی زندگی نمی‌کنند و نمی‌توانند در این خانه‌ها امکانات لازم را برای شغل و حرفهٔ خود داشته باشند (انبار برای ذخیره بذر، تولید میوه و سبزی، نگهداری گاو برای تولید شیر، ماست و غیره و مرغ برای تخم‌مرغ و...)، بنابراین همه چیز را تقریباً باید مانند کارمند شهرنشین خریداری کنند. حتی خانه‌های شهرک‌هایی که برای دامداران می‌سازند (دام‌شهرها) نیز بدون توجه به شغل و حرفهٔ آنان، شبیه خانه‌های شهری است.

فرزندان روستایی، کشاورزان و دامداران سال به سال کمتر می‌شوند به گونه‌ای که با پیر و از کارافتاده شدن پدر، دیگر فرزندان کافی برای ادامهٔ شغل پدر یا وجود ندارند یا اگر هم وجود دارند، امروزه شرایط به گونه‌ای شده است که فرزندان کشاورز و دامدار و مقنی دیگر به سراغ شغل پدر

خود نمی‌روند و اغلب روستا و کشاورزی و دامداری را رها کرده، روانه شهرها می‌شوند یا حتی خانواده آنها مجبورند به خاطر تحصیل و کار فرزندانشان، شغل و حرفه خود را در روستا رها کرده با ایجاد به اصطلاح سرپناه و اجاره کردن یا خریدن فضایی کوچک در شهرها و اطراف آن، از روستا به شهر مهاجرت کنند. با این عمل، از سویی روستا تخلیه می‌شود و منابع آب و خاک بدون استفاده مانده و تولیدات کشاورزی و دامی کاهش می‌یابد که حاصل آن نیاز بیشتر به مواد غذایی و شدیدتر شدن وابستگی غذایی به کشورهای بیگانه است، زیرا تولیدکننده یعنی کشاورز و دامدار، خود به مصرف‌کننده تبدیل شده است و از سوی دیگر، در شهرها بر اثر تراکم جمعیت، مسئله شهرها حادث می‌شود و ...

با توجه بیشتر به شهرها که امروزه از فرهنگ دولتها و برنامه آنان است، توجه به روستاها کمتر شده که با کم یا خشک شدن منابع آبی آنها یا کاهش حاصلخیزی خاکها و نابود شدن دامهای آنان بر اثر خشکسالی و دیگر حوادث طبیعی و غیرطبیعی، آهنگ تخلیه روستا و رواج فرهنگ شهرنشینی تندتر می‌شود که می‌توان به خوبی حدس زد با این روند، در آینده‌ای نه چندان دور، فقط ممکن است جمعیت اندکی در روستاها بمانند، در حالی که برخلاف بسیاری از کشورها، از جمله امارات متحده عربی یا عربستان و غیره که جمعیت شهرنشینی آنها خیلی زیاد است، در کشور ما منابع آب و خاک زیاد است که با یک برنامه‌ریزی صحیح و حساب شده، نه تنها از لحاظ بسیاری از محصولات استراتژیک به خودکفایی می‌رسیم، بلکه قادر خواهیم بود صادرات عمده‌ای هم داشته باشیم و حتی می‌توان به جای روستاهای حواشی کویرها (نمکزارها) که تقریباً تمامی آنها امروزه تخلیه شده‌اند (به علت استفاده ناپذیر بودن کویر در کشاورزی و همچنین پیشروی زه‌آبهای شور کویر، اراضی مزروعی آنها از حیث ارتفاع افتاده و آب این مناطق نیز شور شده است)، زنجیروار شهرهای صنعتی به وجود آورد، امروزه علم و فناوری آن قدر پیشرفت کرده که (به عقیده نگارنده) تخصص اصلی اش عمران اراضی شور و کویری و بهره‌برداری صحیح از آن است، اگر برای استفاده از کویرها برنامه‌ریزی جامعی شود، کویرها دیگر مانند گذشته سرزمینی شوم و نفرین شده و مایه عقب‌افتادگی آن منطقه نخواهند بود، بلکه مایه توسعه و پیشرفت آن مناطق و حتی کشور خواهند شد و به جای روستاهای مفلوک و فاقد

امکانات می‌توانند زنجیروار شهرک‌های صنعتی به‌وجود آیند و به جای کشاورزی و دامداری کم‌درآمد و اندک، تمدنهای صنعتی ایجاد شوند، زیرا (به عقیده نگارنده) کویرها منابع طبیعی تجدیدشونده یا تجدیدپذیر مناطق خشک هستند (همان‌گونه که جنگلها منابع طبیعی تکثیر شونده مناطق مرطوب به‌شمار می‌روند) که تمامی این املاح در دنیای امروز مورد استفاده و باارزش و حتی برخی از آنها نادر و بسیار گرانبها هستند، اگر درست شناخته (شناخت انواع کویرها) و بهره‌برداری شوند، هیچ‌وقت تمام نمی‌شوند (منابع طبیعی تجدیدشونده هستند)، برخلاف معادن و املاح موجود در کوهستان که با برداشت، دیگر در شرایط کنونی تجدید نمی‌شوند. هر یک از املاح کویرها دارای مصارف گوناگون است. برای مثال چند نمونه از آنها را ذکر می‌کنیم. نمک کلرید سدیم برای مصارف خوراکی یعنی نمک طعام و همچنین در استخراج نفت از چاه و همین‌طور در صنایع پتروشیمی استفاده دارد (بدون ریختن نمک در چاههای نفت، نمی‌توان آب را از نفت جدا و نفت را استخراج کرد).

نمک کلرید کلسیم<sup>۱</sup> که در کویرهای به اصطلاح «چربه» وجود دارد، ماده‌ای هیپروپسی یعنی جذب‌کننده رطوبت است که بسیار باارزش و گرانبهاست و موارد استعمال گوناگون دارد. نمک سولفات سدیم<sup>۲</sup> در تهیه مواد شوینده، شیشه‌سازی، کاغذسازی و دهها مورد دیگر مصرف دارد و با احیای آن به سولفید سدیم، ارزش افزوده بسیار بالایی کسب می‌کند، زیرا اضافه کردن آن به سنگ معادن مانند سنگ مس، آهن و غیره باعث می‌شود که در کارخانه‌های ذوب آهن و مس و غیره، فلز از سنگ جدا بشود (در گذشته دولت برای تأمین این ماده از خارج، سالانه میلیونها دلار هزینه می‌کرد).

نمک شوره یا نترات پتاسیم<sup>۳</sup> که در باروت‌سازی (صنایع نظامی) و تولید مواد محترقه و اشتعال‌پذیر مصارف گوناگون دارد و ...

شایان ذکر است که به‌طور خیلی پراکنده، نمونه‌هایی از انواع بهره‌برداریهای ذکر شده با ایجاد کارخانه در اطراف برخی کویرهای کشور مشاهده می‌شود، ولی در مقابل عظمت کویرها و

1.  $\text{Cl}_2\text{Ca}$ 2.  $\text{So}_4\text{Na}^9 + 10 \text{H}_2\text{O}$ 3.  $\text{No}_3\text{K}$

ذخایر عظیم املاح بسیار با ارزش، این اقدامات بسیار ناچیز است؛ هرچند هر کارخانه‌ای که احداث شده است، درآمد سرشاری از برکت املاح کویرها عاید صاحبش می‌کند.

با توجه به اهمیت املاح کویرها و خوشبختانه (و نه مانند گذشته بدبختانه) با گستردگی زیاد عرصه‌های کویری (نمکزارها) در مناطق مختلف خشک و نیمه‌خشک و بیابانی کشور، به خصوص در نواحی مرکزی ایران، اگر برای شناخت انواع کویر و املاح موجود در آنها و همچنین بهره‌برداری از آنها برنامه‌ریزی بشود، نه تنها مناطق اطراف کویرها احیا می‌شوند، بلکه از پیشرفته‌ترین نقاط کشور خواهند شد و درآمد حاصل از آن موجب بهبود زندگی ساکنان این مناطق و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خواهد شد و زمینه اشتغال که امروز از مسائل مهم مملکت به‌شمار می‌رود، با توجه به کویرها، برای هر قشر و جامعه‌ای از تاریخدان و جغرافیدان گرفته تا شیمیدان و غیره، فراهم می‌شود؛ آن‌هم شغلی نو و جدید. بنابراین با نوآوری در علم یعنی شناخت کویرها و املاح آنها، راههای بهره‌برداری از آنها و ایجاد صنایع و کارخانه‌های مربوط، تحولی عظیم در کشور به‌وجود خواهد آمد و کویرها (نمکزارها) که در گذشته عرصه‌های نفرین‌شده و بی‌حاصل و مایه شومی و بدبختی و عقب‌ماندگی منطقه به‌شمار می‌رفتند، مایه افتخار، عامل توسعه و پیشرفت، اشتغال و بهبود وضعیت زندگی مردم منطقه و اوضاع اقتصادی کشور خواهند شد.

امروزه نه تنها کویرها، بلکه آبهای شور نیز که در گذشته زیانبخش، غیرقابل استفاده و عامل نابودی حاصلخیزی زمینها به‌شمار می‌رفتند، اگر ارزششان از آبهای شیرین بیشتر نباشد، کمتر نیست، زیرا طبیعت، خود بدون هیچ هزینه‌ای، با جاری ساختن آب در سطح زمینهای شور، املاح مختلف را از آن جدا کرده و به صورت آب شور جاری ساخته که فقط نیاز به کارخانه‌هاست تا از املاح مختلف موجود در آن استفاده شود؛ برنامه‌ای که امروز در بسیاری از مناطق کویری (نمکزار) جهان برای استحصال انواع نمک از زه‌آبهای شور کویرها آن‌هم با هزینه‌های بسیار سنگین در حال اجراست. از آن جمله در جنوب دشت کویر واقع در منطقه خور از توابع نایین که با هزینه صدها میلیون تومان، کانالی در دل کویر حفر کرده‌اند تا بتوانند فقط آبهای شور موجود در آن را از طریق این کانالها یا زهکشها بیرون بیاورند. این آبهای شور به

استخرهایی که قبلاً آماده شده‌اند هدایت می‌شود تا در آن‌جا بر اثر تابش خورشید خشک شود و املاح به دست آمده را در کارخانه‌های عظیمی که برای استخراج انواع نمک احداث شده‌اند، تفکیک و استحصال کنند.

بنابراین، امروزه آبهای شور نیز از این جهت که املاح آنها دست‌یافتنی است، در مناطق کویری و بیابانی از عوامل بسیار باارزش و از منابع مهم اشتغال و درآمد برای ساکنان آن مناطق و کشور به‌شمار می‌روند. چون به‌طور طبیعی و دائم این آبهای شور تولید و جاری می‌شوند، می‌توان گفت از منابع طبیعی تجدیدشونده بسیار باارزش این مناطق به‌شمار می‌آیند.

کویرها (نمکزارها) نه تنها از این لحاظ که به‌مثابه منابع طبیعی تجدیدشونده املاح آنها قابل استخراج و بسیار باارزش است، بلکه از لحاظ جاذبه گردشگری نیز بسیار ارزشمند است، زیرا املاح مختلف در بخشهای مختلف کویرها، سبب به‌وجود آمدن اشکال مختلف کویر (نمکزارها) شده‌اند. همانند قالی که در قسمت‌های مختلف آن گل‌های الوان به اشکال مختلف دیده می‌شوند، هر قطعه از کویر نیز دارای رنگها و اشکال زیبایی مربوط به خود است. کویرهای قشری، کویرهای چوبه، کویرهای پف‌کرده یا متورم، شوره‌زارها، کویرهای قلیایی و غیره، هر کدام زیبایی مخصوص خود را دارند و همین کویرهایی که دارای گیاه هستند و در آنها انواع گیاهان، به‌ویژه گزها با گل‌های الوان بنفش رنگ بسیار متنوع می‌رویند توأم با گیاهان دیگر، به‌خصوص در فصل بهار، همانند جنگل در فصل خزان و پاییز بسیار زیبا و دیدنی هستند. خلاصه کویرها (نمکزارها) چه گیاهدار و چه فاقد گیاه، آنقدر زیبا هستند که به عقیده نگارنده «هر کس برای آرامش اعصابش نیازمند قطعه‌ای از کویر است»، پس از بابت گردشگری هم منبع عظیم اشتغال و درآمد به‌شمار می‌رود.

انشاءالله در مقاله‌ای دیگر، درباره اهمیت بیابانها، فواید و جاذبه‌های گردشگری بسیار زیبا و منحصربه‌فرد آنها و همچنین زندگی و فعالیت انسانها در محدوده آنها، مطالبی خواهیم نوشت، به‌خصوص درباره بیابان لوت ایران که گرم‌ترین نقطه کره زمین هم هست یعنی اگر قطبهای شمال و جنوب سردترین نقاط کره زمین هستند، بیابان لوت ما گرم‌ترین نقطه کره زمین است.

## منابع

### الف) فارسی

- اطلس گیتاشناسی استانهای ایران (پائیز ۱۳۸۳)، انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- رضی، طبیب و همکاران (۲۹ مهر الی اول آبان ۱۳۸۳)، پایش پدیده خشکسالی در ایران مرکزی، سومین کنفرانس منطقه‌ای و اولین کنفرانس تغییر اقلیم، دانشگاه اصفهان.
- رنجبر، محمود و ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰)، مردم‌شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، انتشارات دانش‌آفرین.
- شاه‌حسینی، علیرضا (۱۳۸۲)، کوچندگان سرزمین خورشید درخشان، نقش بیان.
- عزیزی، قاسم (۱۳۸۳)، تغییر اقلیم، تهران: نشر قومس.
- کردوانی، پرویز (۱۳۷۷)، «ایران خاستگاه قنات (کاریز) و منشأ و گسترش آن در جهان»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، ش ۳۵.
- کردوانی، پرویز (بهار ۱۳۸۱)، «نگاهی به بیابان لوت ایران، قطب حرارتی کره زمین»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۱، دوره ۴۹.
- کردوانی، پرویز (بهار و تابستان ۱۳۷۹)، «شناسایی جاذبه‌های توریستی بیابان لوت ایران، گرمترین نقطه کره زمین و شیوه‌های بهره‌برداری از آنها»، دانشنامه، مجله علمی - پژوهشی دوره عالی تحقیقات (دکتری)، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره‌های ۲۶ و ۲۷.
- کردوانی، پرویز (۳۰-۲۰ خرداد ۱۳۸۱)، منابع عظیم اقتصادی ایران، نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، تهران: مجموعه مقالات همایش.
- کردوانی، پرویز (۱۳۸۰)، خشکسالی و راه‌های مقابله با آن در ایران، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کردوانی، پرویز (۱۳۸۱)، مراتع، مسائل و راه‌حلهای آن در ایران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم.

- کردوانی، پرویز (۱۳۸۲)، مناطق خشک جلد اول، ویژگیهای اقلیمی، علل خشکی، مسائل آب، مسکن و خدمات رسانی و غیره، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ پنجم.

- کردوانی، پرویز (۱۳۸۳)، منابع و مسائل آب در ایران. جلد اول: آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره‌برداری از آنها، تهران: مؤسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران، چاپ ششم.  
- گلوردی، عیسی (۱۳۸۱)، جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس، انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

### ب) لاتین

- Dresch, Jean (1989), *Geographie des regions arid*, Press Universitaires, France.
- Goudii, A. (1992), *Environmental Change*, Oxford University UK.
- IPCC, (2001), *Climate Change 2001*, Scientific basis, Cambridge, University Press.
- Kardavani, Parviz (1977), *Role of biotic and environmental factors in the extension of the Lut Desert in Iran*, Annals of Aridzone, Vol.17, No.1, India.
- -----, (1977), *Vewing the Lut Dersert Iran*, as Heating Coer of the Eealth. International Scientific Conference on the Taklemakan Desert, Urumqui Xinung China, April, 17.
- -----, (1979), *Die Wüste Lut Iran, Probleme Ihrer Nutzung und Inwertsetzung*, Geogr Rundschau, Jahrgany 29 Heft 1, April.
- Stratil Sauer, G. (1959), *Studium 7 Zum klima der Wüste Lut (Iran) und Rand gebiete*.